

مبانی تصمیم‌گیری امام خمینی(ره)

مرتضی الیاسی*

مقدمه

یکی از سطوح تحلیل سیاست بین‌الملل، بررسی رفتار دولت‌ها - به عنوان واحدهای رسمی سیاسی - بر پایه ارزیابی تصمیماتی است که سیاست‌گذاران در زمینه‌های مختلف برمی‌گزینند. بدین ترتیب روش تصمیم‌گیری، از چارچوب‌هایی است که برای بررسی روابط بین‌الملل می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. ارزیابی رفتار دولت‌ها در چارچوب سیستم تصمیم‌گیری آن‌ها می‌تواند به تجزیه و تحلیل عملکرد نظام بین‌المللی کمک کند. هنگامی که رفتار بازیگران سیاسی، یعنی دولت‌ها را در صحنه سیاست بین‌الملل بررسی کنیم، در واقع تصمیماتی را مطالعه و بررسی می‌کنیم که آن‌ها به صورت داده‌های سیاست خارجی خود وارد محیط بین‌الملل می‌کنند. این تصمیم‌ها را افراد، گروه‌ها، نهادها و دستگاه‌های مختلف داخلی آن دولت‌ها اتخاذ می‌کنند و مجموعه این تصمیمات به صورت رفتار دولت‌ها در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی تجلی می‌یابد. بنابراین چارچوب تصمیم‌گیری شامل مطالعات تحلیلی در سطوح افراد و دولت‌هاست.

بخش اول: بررسی تصمیم‌گیری در روابط بین الملل

فصل اول: ماهیت تصمیم‌گیری

درباره ماهیت تصمیم‌گیری سخنان بسیاری گفته شده است که در این جا به دو نمونه اشاره می‌کنیم:

۱. برخی از صاحب نظران گفته‌اند: تصمیم‌گیری صرفاً عمل‌گزینش میان راه‌حل‌های جایگزین یا بدیل‌های موجودی است که در موردشان یقین نداریم.

۲. اخیراً بعضی از نظریه پردازان در تبیین ماهیت تصمیم‌گیری اظهار داشته‌اند که تصمیم‌گیری فرآیندی تدریجی است که از انتخاب جزئی و سازش میان منافع سازمانی و فشارهای دیوانی رقیب هم، تشکیل می‌شود.

چنان‌که ملاحظه می‌شود، در نظر اول اراده و اختیار در تصمیم‌گیری دخیل است، در صورتی که در نظر دوم تصمیم‌گیری در جوی بسته و خالی از اراده و اختیار بروز می‌کند. نظریه تصمیم‌گیری به دولت‌ها - به عنوان موجوداتی انتزاعی و متافیزیکی - یا به حکومت‌ها یا نهادهای عالی همچون قوه مجریه توجه ندارد، بلکه جریان‌های روشن ساختن رفتار افراد تصمیم‌گیرنده شخصی است که عملاً به خط مشی حکومتی شکل می‌دهند.

در نظریه تصمیم‌گیری بحث مهمی وجود دارد برداشت تصمیم‌گیران از جهان است و این مهم‌تر از واقعیت عینی است، ولی بعضی‌ها معتقدند که نظریه تصمیم‌گیری باید محیط عملیاتی را در مد نظر قرار دهد؛ چون بر نتایج تصمیم‌ها محدودیت‌هایی تحمیل می‌کند.

بیشتر نظریه‌پردازان تصمیم‌گیری مانند اغلب مورخان سیاسی بر این نظرند که آگاهی از شرح زندگی سیاست‌گذاران - از جمله تحصیلات، مذهب و تجارب - ممکن است به روش ساختن ژرفترین انگیزه‌ها و ارزش‌های کسانی که تصمیمات شخصی را می‌گیرند کمک کند.

تصمیم‌گیری نه تنها نوعی فرآیند فکری است که متضمن بصیرت، ادراک، و شهود خلاق تصمیم‌گیران است، بلکه فرآیندی اجتماعی و شبه ماشینی نیز هست. فرآیندهای شبه ماشینی را در مورد افرادی می‌توان به شکل نمایان دید که به انگیزه سود اقتصادی شخصی دارد. معاملات اقتصادی بین‌المللی مانند واردات، سرمایه‌گذاری خارجی، سفر یا فرار سرمایه‌ها به بانک‌های ماوراء بحار می‌شوند و عملاً تصمیم‌گیران حکومتی را به اتخاذ تصمیمات وامی دارند.

فصل دوم: مبنا یا خط مشی تصمیم‌گیری

این که مبنا یا تصمیم‌گیری چه می‌تواند باشد، در جوامع مختلف و نسبت به افراد و تصمیم‌گیرندگان گوناگون فرق می‌کند؛ اما به دو امر کلی اشاره می‌شود:

۱. مبنا یا تصمیم‌گیری امری است که مشخص‌کننده بایدهای جامعه و سازمان‌ها و نبایدهای آن است و معین می‌کند که چه فعالیت‌ها و اقداماتی در بخش عمومی باید انجام پذیرد و چه اقداماتی نباید انجام پذیرد. هم چنین بیانگر فرهنگ، نظام اقتصادی و اولویت‌های مورد قبول جامعه است.

۲. مبنا یا تصمیم‌گیری اصولی کلی است که از ارزش‌های حاکم بر جامعه، ایدئولوژی و ساختار اجتماعی و سیاسی موجود در کشور نشئت می‌گیرد و به عنوان الگوی اصلح در عملکردها و اقدامات جامعه به کار می‌رود. بدین ترتیب ارزش‌ها، جهان‌بینی و ساخت اجتماعی سیاسی موجود در جامعه اجزای تشکیل دهنده مبنا یا تصمیم‌گیری‌اند. هر گاه در خط مشی و مبنا یا تصمیم‌گیری ارزش‌های یکسانی حاکم باشد، تصمیم‌گیری به سهولت انجام می‌پذیرد و گرنه دستخوش مشکلات خواهد شد.

فصل سوم: انواع الگوهای تصمیم‌گیری

باب اول: الگوی عقلایی

این مدل که مدل بازیگر خردمند نیز نامیده می‌شود بدین معناست که افراد خردمند پیش از تصمیم‌گیری، مقاصد خویش، گزینه‌های موجود و پیامدهای محتمل را به روشنی مشخص می‌سازند. در این الگو تصمیم‌گیرندگان باید اطلاعات مهمی در مورد ارزش‌ها، منافع، اهداف و اولویت‌های هدف‌های گوناگون داشته باشند و بتوانند رفتارهای احتمالی آینده را پیش‌بینی کنند. البته ضوابط منطقی و عقلایی بودن تصمیمات از دیدگاه افراد، سازمان‌ها و دولت‌های گوناگون، متفاوت است. برای مثال ممکن است گروهی از سیاست‌گذاران اولویت‌های هدف‌های ملی را به ترتیب، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی در نظر بگیرند، در حالی که ممکن است گروهی دیگر از تصمیم‌گیرندگان اولویت‌های نخست را به مسائل فرهنگی، ایدئولوژیک اختصاص دهند.

وجود کمیته‌ها و کمیسیون‌های مختلف تخصصی و فنی در کنار مجامع تصمیم‌گیری نشان دهنده لزوم بررسی‌های علمی و تخصصی در تصمیم‌گیری است. وظیفه این کمیته‌ها و کمیسیون‌های تخصصی است که از دیدگاه علمی و به کمک نظریه‌ها و الگوهای عقلایی مسائل و موضوعاتی را که باید برای آن‌ها راه حل‌هایی جستجو شود،

بررسی کنند و نتایج را در اختیار مقامات خط مشی گذار قرار دهند. الگوی عقلایی تصمیم‌گیری مراحل دارد که در زیر بدان اشاره می‌کنیم:

مرحله اول: تشخیص و تبیین مشکل؛

مرحله دوم: تنظیم شقوق ممکن یا بدیل‌ها؛

مرحله سوم: پیش‌بینی نتایج تصمیمات یا شقوق ممکن؛

مرحله چهارم: انتخاب تصمیم مطلوب و قانونی ساختن آن؛

مرحله پنجم: اجرا و ارزیابی تصمیم در عمل.

البته به سبب عوامل محدود کننده متعددی که در محیط تصمیم‌گیری وجود دارد، بهره‌گیری از چنین الگویی بسیار پرهزینه و وقت‌گیر است و به لحاظ محدودیت‌هایی که در مهارت‌ها، اطلاعات و انگیزه‌ها وجود دارد، تصمیم‌گیرندگان در اتخاذ تصمیم‌های عقلایی با دشواری‌های بسیار مواجه می‌شوند.

باب دوم: الگوی عقلایی تعدیل شده

در الگوی عقلایی فرضیاتی اساس کار بود که در دنیای واقعیات همواره مصداق ندارد. جمع‌آوری کلیه اطلاعات در زمینه مشکلات اجتماعی، راه‌حل‌های موجود و پیش‌بینی نتایج حاصل از آن‌ها، به سبکی که در مدل عقلایی مطرح می‌شود، از توان تصمیم‌گیرندگان خارج است و در صورت امکان نیز، هزینه زمانی که صرف آن می‌گردد غیر قابل تحمل است. برخورد ماشینی و غیر قابل انعطاف با موضوع تصمیم‌گیری، به کارگیری ابزار کمی به دنبال کلیه اطلاعات و راه‌حل‌های موجود و فراموش کردن پیچیدگی‌های این رویه در برابر امکانات، توانایی‌ها و منابع موجود همه از نارسایی‌های الگوی عقلایی خط مشی‌گذاری و تصمیم‌گیری است؛ لذا تعدیل‌هایی در این زمینه شده است. از جمله این تعدیل‌ها می‌توان به دو نمونه اشاره کرد:

نمونه اول: تصمیم‌گیری به شیوه تغییرات جزئی: که تصمیم‌گیران در عمل چند راه را که سابقه‌ای دارد در نظر می‌گیرند و با اندک تغییراتی در آن‌ها تصمیمی جدید می‌گیرند. علاوه بر عملی بودن مدل تغییرات جزئی، میزان مخاطره تصمیم‌گیری نیز در آن بسیار اندک است. گذشته از این، تصمیم‌گیری مستلزم نوعی پیش‌بینی است و مدل تغییرات جزئی، کار پیش‌بینی را بسیار آسان می‌سازد.

نمونه دوم: تصمیم‌گیری به شیوه رضایت‌بخش: تصمیم‌گیرنده شقوق چندی را در نظر می‌گیرد؛ زیرا در نظر گرفتن کلیه شقوق ممکن نیست یا بسیار مشکل است. سپس

نتایج مورد انتظار هر یک را می‌آزماید و به محض این که به راهی رضایت بخش رسید، آن را برمی‌گزیند و دیگر به سایر طرقی که ممکن است نتایج بهتری داشته باشند نمی‌پردازد.

باب سوم: الگوی سازمانی

در این مدل رفتار حکومت بیشتر به عنوان بروندهای مستقل چند سازمان بزرگ در نظر گرفته می‌شود که رهبران حکومت تنها تا حدودی آن‌ها را هماهنگ می‌سازند. به زعم یکی از نویسندگان، قدرت اهمیتی ندارد مگر آن که اندام اجتماعی خاصی اشاعه دهنده آن باشد که این اندام همان سازمان است. قدرت قانونی رسمی در ساختارهای رسمی سازمانی جامعه تحقق می‌یابد و مجموعه سازمان‌ها را به صورت عوامل مؤثری در خط مشی‌گذاری و تصمیم‌گیری مطرح می‌سازد. سازمان‌ها به عنوان ابزارهای دولتی برای تحقق منافع عامه و تحت لوای آن، حق تصمیم‌گیری را برای خود محفوظ می‌دارند. آنان از طریق اطلاعاتی که اختصاصاً در اختیار دارند و به کمک نیروهای تخصصی و کانال‌های ارتباط رسمی، در تصمیم‌گیری نقشی مؤثر دارند و عامل اساسی و تعیین کننده به شمار می‌آیند. در این فرآیند جایگاه رهبران جامعه، مردم، قوای مختلف حکومتی و نحوه ارتباط آن‌ها با هم مشخص می‌گردد و قوانین و مقرراتی که حاکم بر وظایف این نهادها و روابط بین آن‌هاست بررسی می‌شود.

ویژگی‌های تصمیم‌گیری به شیوه سازمانی بدین شرح است:

۱. محدودیت و ناتوانی سازمان‌ها در اتخاذ خط‌مشی‌های کاملاً عقلایی و بسنده کردن به تصمیم‌گیری رضایت‌بخش؛

۲. گرایش بیشتر به سوی تغییرات جزئی و تدریجی تا تغییرات جهشی و یکباره؛

۳. اتخاذ تصمیم در شرایط تضاد، چرا که سازمان‌ها همواره یک هدف را در پیش رو ندارند لذا تحت تأثیر عوامل مختلف تصمیم می‌گیرند. سازمان‌ها در برابر طرح‌ها، برنامه‌ها و تصمیم‌هایی که باعث می‌شود از روش‌ها و وظایف سنتی‌شان دور شوند مقاومت نشان می‌دهند و در حدّ توان در راه تصویب آن‌ها مانع ایجاد می‌کنند. خود روابط سازمان‌ها بسته به این که در حد ارتباط رسمی یا صمیمی‌تر باشد، در تصمیم‌گیری و تسریع آن اثر دارد.

۴. خودشیفتگی سازمان‌ها در تحقق اهداف و مأموریت‌هایشان، یعنی بیشتر به دنبال منافع خود حرکت می‌کنند که در نتیجه، قدرت عظیمی به دست می‌آورند و منافع خود

را بر منافع عامه مقدم می‌دارند. البته تلاش حکومت‌ها همواره بر این است که سازمان‌ها را در این زمینه مهار کنند.

باب چهارم: الگوی سیاسی و مبتنی بر قدرت

این الگو به وجود رقابت شدید میان واحدهای تصمیم‌گیری فائل است و سیاست‌های خارجی را نتیجه چانه‌زنی میان اجزای یک دیوان‌سالاری می‌داند. کسانی که به این مدل رو کرده‌اند با طرح این سؤال «آیا تصمیم‌گیری در دنیای واقع صرفاً یک انتخاب عقلایی است؟» می‌گویند: تصمیم‌گیری قبل از آن که انتخابی سنجیده و کاملاً منطقی باشد، حاصل بازی‌های قدرت و داد و ستدهای سیاسی است و تصمیم‌گیری، تابع سیاست یا قدرت مقامات تصمیم‌گیرنده و نحوه ارتباط آنان با یکدیگر و برتری یا کهنتری آن‌ها نسبت به هم است. بنابراین تصمیم خوب آن است که بازیگران صحنه سیاست و صاحبان قدرت در مورد آن به توافق رسیده باشند؛ بدون این که تضمینی وجود داشته باشد که تصمیم مذکور بهترین و منطقی‌ترین طریق رسیدن به مقصود و هدف است.

باب پنجم: الگوی بینش فوق‌العاده

تأکید این الگو بر برخورداری برخی از تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران از توانایی‌ها، استعدادها و فوق‌العاده و نوآوری است. به گونه‌ای که در پاره‌ای از موارد وجود این گونه توانایی‌ها نظرها و نقش سایر عوامل و نهادهای تصمیم‌گیری را تحت الشعاع خویش قرار می‌دهد. روان‌شناسان سیاسی در بررسی‌های خود با تأکید بر عامل رهبری، بر این نظرند که تصمیم‌گیرندگانی که از بینش فوق‌العاده برخوردارند عناصر کلیدی سیاست‌گذاری محسوب می‌شوند.

فصل چهارم: معیارهای تصمیم‌گیری

باب اول: تصمیم‌گیرندگان

در فرآیند اتخاذ تصمیمات، افراد و گروه‌های مختلف با زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، ارزشی، اعتقادی، اقتصادی و سیاسی گوناگون دخالت دارند. نباید تصور کرد که تمام شرکت‌کنندگان در تصمیم‌گیری دارای روش‌های تفکر یکسان‌اند و در برابر رویدادها، سلسله‌مراتب و طبقه‌بندی اهداف سیاست خارجی، تبیین و تفسیر منافع ملی و اولویت‌ها واکنش‌های یکسان و هماهنگ دارند. برداشت‌های آنان از رفتارهای

بین‌المللی با توجه به تجربه‌ها و روش‌های تفکرشان متفاوت است. همچنین نباید انتظار داشت که رفتارها و برداشت‌های هر یک از شرکت‌کنندگان در تصمیمات در طول زمان ثابت باقی بماند و دستخوش دگرگونی نشود.

روان‌شناسان سیاسی محور مطالعه خود را افراد قرار می‌دهند و از آن جا که هنجارهای رفتاری در نوع و کیفیت تصمیم‌هایی که افراد می‌گیرند نقش مهمی دارند، آنان بر این نظرند که اگر نوعی جابه‌جایی در میان سیاست‌گذاران صورت پذیرد، داده‌های سیاست خارجی دستخوش تغییر خواهد شد.

باب دوم: شرایط و مقتضیات تصمیم‌گیری

آیا عوامل و انگیزه‌های جدی، واحدهای تصمیم‌گیرنده را تهدید می‌کند؟ آیا تصمیم‌گیرندگان زمانی کافی برای نشان‌دادن واکنش در اختیار دارند؟ مثلاً در اوضاع بحرانی معمولاً تهدید شدید، زمان کوتاه و نوعی حالت غافلگیری وجود دارد. رفتار دولت‌ها در دوران جنگ سرد و تنش‌زدایی در زمان تحریم اقتصادی و نظامی یا هنگام برهم خوردن اتحادها و ائتلاف‌ها کاملاً با یکدیگر فرق می‌کند.

باب سوم: دسترسی به منابع اطلاعاتی و بهره‌گیری از امکانات

تصمیم‌گیری‌های عقلایی و منطقی مستلزم داشتن اطلاعات دقیق و منابع قابل دسترسی شامل نیروی انسانی متخصص، تکنولوژی و امکانات مالی است. البته گاه وجود منابع اطلاعاتی گوناگون - که داده‌های متفاوت و متعارض در اختیار تصمیم‌گیرندگان قرار می‌دهند - دشواری‌هایی را برای فرآیند تصمیم‌گیری به وجود می‌آورد. هم‌چنین در نظام ارتباطی چون معمولاً اطلاعات از بخش‌های مختلف نظام جمع‌آوری می‌شود، تمامی افراد تصمیم‌گیرنده به یک نسبت از آن اطلاعات بهره نمی‌برند و حتی در وضعیتی که اطلاعات یکسانی در اختیار آنان قرار گیرد، همه نمی‌توانند به تساری در تصمیم‌گیری‌های مهم مشارکت کنند.

گاه سیاست‌گذاران اطلاعات به دست آمده را با پیش‌دآوری‌های خود تطابق می‌دهند که این امر می‌تواند خطرهایی در بر داشته باشد؛ زیرا پیش‌دآوری در امور بین‌المللی مانع از آن می‌شود که تصمیم‌گیرندگان به واقعیات موجود توجه کنند و در نتیجه تصمیمی گرفته می‌شود که بر واقعیت بنا نشده است. سیاست‌گذاران باید با

بهره‌گیری از دانش تخصصی، مهارت‌ها و تجربه‌های خویش، تحولات آنی را پیش‌بینی و پیشاپیش رویدادهای بین‌المللی حرکت کنند.

باب چهارم: ساختار نظام تصمیم‌گیری

اساس رفتار در سازمان‌های رسمی بر هدف‌های مشخصی استوار است که بر احساسات و سلیقه‌های شخصی مبتنی نیست. وقتی فرد به عضویت سازمان در می‌آید سازمان محدودیت‌های زیادی را از لحاظ تصمیم‌گیری بر او تحمیل می‌کند. سازمان از طریق تقسیم کار محدودیت‌های عمده‌ای برای تصمیم‌گیرندگان به وجود می‌آورد؛ زیرا با احاطه وظیفه مشخص به فردی معین، توجه او، تنها به مسائلی معطوف می‌شود که به وظیفه محول شده مربوط است.

مسئله دیگر تعیین حوزه اقتدار در چارچوب نظام سلسله مراتب سازمانی است؛ یعنی تصمیمات کلی و مهم در سطوح بالای سازمان اتخاذ می‌شوند و سطوح پایین‌تر سازمان صرفاً در تصمیم‌های جزئی و کاربردی دخالت می‌کنند. و این سبب می‌شود تا در هر سطح تصمیمات گروه‌های مافوق در محیط تصمیم‌گیری مادون، ارزش‌های اصلی به حساب آید. گاه می‌بینیم تصمیم‌گیرندگانی که اقتدار بیشتری دارند، فاقد توانایی‌ها، مهارت‌ها و اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری‌های منطقی و عقلایی هستند؛ در حالی که همزمان گروهی از کارشناسان سیاسی که در سطوح پایین سازمان جای گرفته‌اند از بینش و دانش کافی برخوردارند، ولی به علت محدود بودن حوزه اقتدارشان برای اتخاذ تصمیم‌های مهم، قادر به شرکت فعال در فرآیند تصمیم‌گیری نیستند. به طور طبیعی در این جا شیوه رهبری در سازمان نقش به‌سزایی در روند سیاست‌گذاری‌ها ایفا می‌کند. در سیاست بین‌الملل برخلاف سیاست داخلی که دولت‌ها به صورت قدرت بلامنازع عمل می‌کنند و بر طبق نیازها و خواسته‌های خویش سیاست‌گذاری می‌کنند - استراتژی دولت‌ها تحت تأثیر نظام بین‌المللی، تهدیدها و فشارهای نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و نیز مقتضیات داخلی و اوضاع ژئوپلیتیک شکل می‌گیرد. پاسخ تصمیم‌گیرندگان به فشارهای مزبور تابع توانایی‌ها، شناخت و مهارت‌های سیستم تصمیم‌گیری است.

باب پنجم: راه حل‌ها

نباید انتظار داشت که تمامی شرکت‌کنندگان در تصمیم‌گیری درباره انتخاب یک راه حل،

اتفاق نظر داشته باشند. برای نمونه در یک موقعیت بحرانی، راه‌هایی که مورد توجه گروه‌های نظامی قرار می‌گیرد ممکن است با راه‌های پیشنهادی سیاستمداران متفاوت باشد. دست‌یابی سیاست‌گذاران به منافع اطلاعاتی مطمئن در گزینش راه حل مناسب از میان راه‌های گوناگون مؤثر است؛ زیرا آنان می‌توانند از قبل آثار مترتب بر انتخاب هر یک از راه‌های موجود را ارزیابی کنند. تصمیم‌گیرندگان باید راهی را برگزینند که حداقل زیان و خطر و حداکثر سود را برای تحقق هدف‌ها و تأمین منافع ملی در بر داشته باشد.

باب ششم: پیامدها

چنانچه تصمیم‌گیرندگان بخواهند تصمیم‌های منطقی و صحیحی بگیرند، باید به تمام آثار و پیامدهای تصمیمات توجه کنند. همیشه این امکان وجود دارد که در فرآیند تصمیم‌گیری دگرگونی‌های عمده‌ای در متغیرهای مورد نظر ایجاد شود. بدین ترتیب تصمیم‌گیرندگان باید ضمن توجه به پویایی محیط بین‌المللی، عوامل تغییرپذیر را در نظر داشته باشند و با توجه به اوضاع و معیارهای دگرگون شده تصمیم‌های خود را ارزیابی کنند. در غیر این صورت تصمیم‌ها و سیاست‌های تنظیم شده با واقعیات منطبق نخواهد بود و از قوه به فعل در نخواهند آمد.

نکته عمده‌ای که باید تصمیم‌گیرندگان در فرآیند سیاست‌گذاری به آن توجه کنند این است که تصمیم‌گیری‌ها باید با در نظر گرفتن امکانات موجود و نیز واقعیت‌های محیط بین‌المللی و به عبارت دیگر جنبه‌های اجرایی و عملی هدف‌ها صورت پذیرند. در این روند باید کمیّت و کیفیت و واکنش سایر بازیگران بین‌المللی در قبال تصمیم‌های اتخاذ شده به دقت ارزیابی شود و در صورت واکنش منفی، راه‌های مقابله با آن پیش‌بینی گردد. نتایج حاصل از تصمیم‌ها ممکن است مورد انتظار و مطلوب، غیر منتظر و مطلوب، مورد انتظار و نامطلوب، یا غیر منتظر و نامطلوب باشد. هر یک از حالات مذکور آثار خاصی در تحقق هدف‌ها، تأمین منافع و به کارگیری استراتژی‌ها به جا می‌نهند.

فصل پنجم: تصمیم‌گیری در بحران

تصمیم‌گیری در بحران بسیار مهم است. قبل از هر چیز باید دید بحران چیست و با چه شرایطی محقق می‌شود. در ذیل به سه تعریف از دانشمندان مختلف اشاره می‌کنیم:

۱. به نظر رایینسون در تعریف بحران سه عنصر مسلم فرض شده است:

الف) مورد تهدید بودن اهداف بسیار اولویت‌دار واحد تصمیم‌گیری؛
 ب) محدود بودن زمان موجود برای پاسخ‌گویی؛
 ج) غافلگیری.

۲. به نظر اسنادی‌در بحران عبارت است از یک رشته تعاملات میان حکومت‌های دویا چند دولت حاکم در قالب منازعه‌ای حادّ ولی نازل‌تر از جنگِ عملی که در عین حال متضمن احتمال بسیار بالا و خطرناک بروز جنگ نیز هست.

۳. به نظر تدلیبو، سه معیار در تعریف بحران ملحوظ است:
 الف) احساس تهدید برای منافع ملموس ملی؛

ب) ادراک سیاستمداران دایر بر این که اقدامات اتخاذ شده برای مقابله با تهدید امکان جنگ را افزایش می‌دهد؛

ج) احساس تنگنای زمانی برای پاسخ دادن به موقعیت بحرانی.

با تعریفی که از بحران ارائه شد می‌توان گفت تکنولوژی سلاح‌های هسته‌ای از طریق عمیق‌تر کردن شکاف میان ارزش منافع مورد منازعه و هزینه احتمالی جنگ برای دارندگان چنین سلاح‌هایی، تأثیری مهم بر بحران‌های بین‌المللی گذاشته است. مهار و مدیریت بحران به آن است که یکی از طرف‌های درگیر بتواند با تهدید قابل باور به تشدید بحران، حریف خود را از تشدید بحران باز دارد و بحران را موافق با منافع خودش تخفیف دهد. اما این بدان معنا نیست که یک بحران تنها هنگامی پایان می‌پذیرد که یکی از طرف‌های مخاصمه تسلیم شود یا عقب‌نشینی کند. یک بحران ممکن است از طریق فرآیندی فیصله یابد که در آن هر دو رقیب خویش‌داری پیشه کنند و در پی راهی آبرومندانه برای عقب‌نشینی متقابل با مصالحه‌ای برآیند که بدون تضاد با منافع غیر قابل تقلیل هر طرف، موقعیت را دگرگون سازد.

هنگام بررسی مسئله مهار و مدیریت بحران می‌توان توجه خویش را بر سطح کلان تعامل میان شرکت‌کنندگان در بحران متمرکز ساخت یا به رفتار سیاست خارجی تک تک دولت‌ها در سطح خرد پرداخت. تصمیم یا اقدام یک دولت، پاسخ دولت دیگر را بر می‌انگیزد و بدین ترتیب فرآیندی تعاملی پا می‌گیرد که به خودی خود تشکیل دهنده بحران بین‌المللی است.

سیستم جهانی از حیث چند قطبی بودن به چهار دوره تقسیم شده است:

الف) سیستم چند قطبی (۱۹۲۹-۱۹۳۹): در این سیستم قدرت‌های بزرگ تقریباً در تمام بحران‌ها شرکت مستقیم داشتند. این دوره از حیث استفاده از فنون مسالمت‌آمیز

برای پایان دادن به بحران، بالاترین مقام را دارد.

ب) سیستم جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵): در این دوره تقریباً در تمام موارد فنون مورد استفاده برای مهار و مدیریت بحران‌ها سرشتی عمدتاً خشونت‌آمیز داشت.

ج) سیستم دو قطبی (۱۹۴۵-۱۹۶۲): در این دوره استفاده آشکار از خشونت و به خصوص جنگ تمام عیار به عنوان روش مهار و مدیریت بحران کاهش یافت.

د) سیستم چند مرکزی (۱۹۶۳-۱۹۶۹): چند مرکزی بودن به سبب پراکندگی مراکز تصمیم‌گیری که خود مبین ظهور تعداد زیادی بازیگر جدید است، به افزایش شدید بحران‌هایی انجامید که نقاط عطف خشونت‌آمیز داشتند.

موزر و دوستانش درباره انواع محیط‌های منازعاتی بحران مطالعه کردند. آنان میان محیط‌هایی که شامل سه ویژگی زیر هستند تمایز قائل‌اند:

الف) دشمنی طولانی؛

ب) جنگ‌های گسترش یافته‌ای که بخشی از یک منازعه طولانی است؛

ج) بحران‌هایی که در چارچوب یک منازعه طولانی‌تر قرار ندارند. آنان دریافتند که بحران‌ها به احتمال بیشتر در بستر یک منازعه طولانی رخ می‌دهد. برای مهار و مدیریت بحران دولت‌های قدیمی‌تر بیش از سایر دولت‌ها از مذاکره و سایر فنون غیر خشونت‌بار استفاده می‌کنند. هر چه رژیم کشور اقتدارگراتر باشد امکان آن که بحران را به شکل خشونت باری شروع کند بیشتر خواهد بود.

از جمله بحث‌های مطرح در بحران و تصمیم‌گیری این است که آیا می‌توان انتظار داشت تصمیم‌گیرانی که تحت فشار عصبی ناشی از بحران قرار دارند - مستلزم مراقبت شبانه روزی است - در تشخیص خط مشی‌های بدیل اصلی، تخمین هزینه‌ها و سودهای احتمالی هر یک از شقوق، تمیز گذاشتن میان اطلاعات مربوط و مقاومت در برابر خاتمه دادن به روند شناخت و دست زدن به عمل زودرس به نحوی کارآمد رفتار کنند؟

روان‌شناسان می‌گویند افراد به شیوه‌های متفاوتی در مقابل فشار عصبی از خود واکنش نشان می‌دهند. یک تصمیم‌گیرنده در بحران ممکن است قادر باشد به سرعت و سهولت، همان چیزی را ابداع یا تدوین کند که در مواقع عادی، پیچیده یا دشوار به نظر می‌رسد، افزایش فشار عصبی ممکن است هم فرد و هم گروه را به تجاوزگری، عقب‌نشینی یا رفتار گریزآمیز، واپس‌روی یا انواع حالات روانی سوق دهد.

بحران لاجرم، کوتاه بینی، دشوار شدن آینده‌نگری و محاسبه پیامدهای آینده و تمایل به انتخاب طیف محدودی از بدیل‌ها - یعنی آن‌هایی که به آسان‌ترین شکل به ذهن

تصمیم‌گیران می‌رسند - را می‌آورد. طبیعتاً اگر زمان بیشتری برای تصمیم‌گیری موجود باشد طیف وسیع‌تری از گزینه‌ها را می‌توان ارزیابی کرد، ولی کم بودن زمان، در تعریف بحران مستتر است.

بخش دوم: مبانی تصمیم‌گیری امام خمینی (ره)

در بخش اول این نوشتار به بررسی نظریه تصمیم‌گیری پرداختیم و اینک به موضوع اصلی خود، یعنی بنیان‌های فکری و نظری حضرت امام (ره) در تصمیم‌گیری، می‌پردازیم.

این مطلب روشن است که تصمیم‌گیری مستلزم آزادی، مسئولیت و استقلال است و بدون تصمیم‌گیری هرگز نمی‌توان به طور فعال در زندگی سیاسی مشارکت کرد. تصمیم‌گیری در سیاست کار دشواری است؛ چرا که تصمیم‌گیرنده امور سیاسی، زمان و فرصت زیادی ندارد و واقعیت‌پدیده‌های سیاسی نیز پیچیده و پیش‌بینی تحولات و عواقب هر یک از راه‌حل‌ها نیز مبهم است؛ لذا کالبد شکافی مسائل تصمیم‌گیری سیاسی و متغیرات مؤثر بر آن و ارکان و اجزای یک انتخاب سیاسی، موضوعی بسیار ضروری در زندگی سیاسی است.

امام خمینی (ره) شخصیتی است که تصمیم‌گیری سنجیده، سریع، بادوام، شکست‌ناپذیر و قاطع او شهرت فراوانی یافته است. از این رو باید دید ایشان چه متغیراتی را در فرآیند تصمیم‌گیری و تصمیم‌گیری سیاسی مؤثر می‌دانند.

فصل اول: خدا اتکایی

روشن است که انسان در چارچوب باورهای خود تصمیم می‌گیرد و از پایه‌ای‌ترین باورهای یک فرد موحد خداخواهی و خداباوری و خداجویی اوست. انسان موحد هر چه بر دید توحیدی مستحکم‌تر باشد نسبت به آینده محکم‌تر قدم برمی‌دارد و آینده را روشن‌تر می‌بیند. لذا امام (ره) در بیانی به این نکته مهم تأکید می‌کند که «همه اشکالات در حجابی است که ما داریم»^۱

امام (ره) با توجه به این که همه چیز را از خدا می‌دانست، در حساس‌ترین لحظات

۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۴۳.

قاطع‌ترین تصمیمات را می‌گرفت. لذا می‌فرمود: «اگر همه چیز را از او دانستید دیگر هیچ ناراحت نمی‌شوید.»^۱

خدا باوری و خدا اتکایی امام در مصائب عظیم نیز پناهگاه امام بود؛ از این رو وقتی خبر شهادت فرزند عزیزشان حاج آقا مصطفی به ایشان می‌رسد، در عین حال که دشمن منتظر شکستن روحیه ایشان بود، هیچ از خود ضعف نشان نداد و حتی اشکی نریخت و محکم و مقاوم ایستاد و فرمود: «اگر اطلاع داشتیم از آن الطاف خفیه‌ای که خدای تبارک و تعالی نسبت به عبادش دارد - انه لطیف علی عباده - در این طور چیزهایی که جزئی است و مهم نیست آن قدر بی‌طاقت نمی‌شدیم.»^۲

در بحث بخش نخست مسئله تصمیم‌گیری در بحران را مطرح نمودیم و گفتیم بحران از شاخصه‌های مؤثر در امر تصمیم‌گیری است و چه بسا تصمیم‌گیرنده را در دام خود گرفتار بکند. اما در زندگی امام(ره) کسی شاهد موردی نیست که ایشان در بحران‌ها خود را باخته و تصمیمی عجولانه گرفته باشند و این اطمینان خاطر امام ناشی از خدا اتکایی ایشان بود.

گاهی در تصمیم‌گیری فرد یا گروه تصمیم‌گیرنده ممکن است از مخاطرات ناشی از تصمیم بیم و وحشت داشته باشد و در تصمیم‌گیری مردد گردد. در این گونه موارد خداوند می‌فرماید: توکل، دل انسان‌ها را از ترس و بیم حفظ می‌کند.^۳ و از همین جا جایگاه توکل و اتکال به خداوند در تصمیم‌گیری روشن می‌شود. در اغلب اوقات تصمیم‌گیرنده به نقطه اتکایی نیاز دارد تا بدون بیم و هراس تصمیم بگیرد و توکل این نقطه اتکا و قوت قلب را برای وی فراهم می‌آورد. بنابراین یکی از مواردی که توکل ضرورت می‌یابد، زمانی است که فرد هدف درستی را انتخاب می‌کند اما دچار ضعف اراده و ترس می‌شود، در چنین حالتی فرد به مدد توکل، ترس و ضعف را از خود دور می‌نماید و با عزمی استوار پیش می‌رود.

تفاوت نهادن امام(ره) در زمینه بحران و تصمیم‌گیری بین انسان‌های مستبد و دور از خدا و انسان‌های خداخواه و خدا باور خود گویای این مطلب است. ایشان درباره جنایات شاه ملعون می‌فرمایند: «این مطلبی که من سابقاً پیش‌بینی کرده‌ام که این دیکتاتورها و این مستبدین و چماق به دست‌ها در اواخر عمرشان، آن وقت که سقوط خودشان را

۱. همان، ج ۱۸، ص ۲۶۰. ۲. همان، ج ۱، ص ۲۵۵.

۳. اعراف، آیه ۸۹ و آل عمران، آیه ۱۰۶.

پیش‌بینی می‌کنند و می‌بینند یا به مرگ یا به مرگ مقام سیاسی دیوانه می‌شوند. اعصابشان را به کلی از دست می‌دهند و با حال دیوانگی و جنون با مردم معامله می‌کنند. الآن همان مطلب را ایرانی‌ها بالعیان دارند مشاهده می‌کنند.»^۱

درباره اطمینان و آرامش امام(ره)، حضرت آیه‌الله طالقانی می‌فرمودند: «بعضی فکر می‌کنند گاهی اوقات من به قم مسافرت می‌کنم فقط به خاطر مذاکرات سیاسی است... ولی من هر وقت احساس ضعف می‌کنم، گاهی یأس برایم پیش می‌آید می‌روم پیش چنین رهبری قاطع و از توکل و ایمان و خلوص او الهام می‌گیرم.»^۲

و در ماجرای فیضیه امام می‌فرماید: «هر چه پیش آید، یا به نفع شماست یا به ضرر شما؛ اگر به ضررتان تمام شد باید شکست روحی نخورید، شکست ظاهری مهم نیست، آنچه مهم است شکست روحی است. اگر انسان شکست روحی خورد تا آخر باید گورستان برود.»^۳

و در قضیه جنگ تحمیلی با آرامش خاصی می‌فرماید: «یک دزدی آمده است یک سنگی انداخته و فرار کرده است.»^۴

بنا بر آنچه گذشت، مهم‌ترین عنصر در تصمیم‌گیری امام، خدااتکایی و خداپاوری او بود.

فصل دوم: مردم اتکایی

امام(ره) در امور بزرگی مانند انقلاب، استمرار انقلاب و تشکیل حکومت، نقش عظیم مردم را نادیده نمی‌گرفت و با تکیه بر این که مردم در صحنه‌اند که بسیاری از تصمیمات را میسر و ممکن می‌سازند می‌فرمودند: «کارنامه شما در گرو تلاش و مجاهدت شماست.»^۵ نیز می‌فرمود: «غیر ممکن‌ها با اراده قلب‌ها، اراده‌ای که تبع اراده خداست، اراده‌ای که برای خداست، غیر ممکن‌ها ممکن می‌شود و محال‌ها واقع.»^۶

امام به مشارکت مردم در امور سیاسی و اجتماعی بسیار اهمیت می‌دادند و تأکید داشتند که اراده و خواست مردم را با خود همراه نمایند و از این رهگذر به اهداف بلند خود نائل آیند: «ملت اگر چیزی را خواست نمی‌شود تحمیلش کرد... ملت وقتی نباشد همه‌شان در یک راه بروند دیگر نمی‌شود این را از راه منصرفش کرد، با قدرت نمی‌شود

۱. صحیفه نور، ج ۲، ص ۵۲. ۲. به نقل از مجله نور علم، ویژه نامه ارتحال امام، ص ۱۰۹.
 ۳. صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۹. ۴. همان، ج ۱۳، ص ۹۱. ۵. همان، ج ۱۹، ص ۱۱۸.
 ۶. همان، ج ۲۱، ۱۶/۱۱/۶۷.

ملت را از آن طریقی که وارد شده‌اند منصرف کرد.^۱ و در جایی دیگر به لسان تقدیر می‌فرمایند: «عمده توجه مردم و همراهی آن‌هاست که بحمدالله تا حالا داشته‌اند و از این به بعد هم ان شاء الله خواهند داشت.»^۲

از جمله توجهات امام در مسئله مردم‌اتکایی، اعتماد و خشنودی مردم است: «دولت‌ها کاری بکنند که جلب نظر ملت را بکنند، دولت‌ها بنایشان بر این نباشد که در سایه سرنیزه حکومت کنند.»^۳ نیز در جای دیگر می‌فرماید: «باید کوشش نمایید که رضایت مردم را جلب کنید در همه امور...»^۴

و در زمینه پایگاه مردمی - که از جمله دژهای مهم و محکم تصمیم‌گیری است - می‌فرماید: «کاری بکنید که دل مردم را به دست بیاورید. پایگاه پیدا کنید در بین مردم، وقتی پایگاه پیدا کردید خدا از شما راضی است، ملت از شما راضی است، قدرت در دست شما باقی می‌ماند و مردم هم پشتیبان شما هستند... همه خدمتگزار باشید و در این خدمتگزاری بدانید که هم رضای خدا را تحصیل کردید و هم رضای ملت که رضای خداست تحصیل کردید.»^۵

البته در این زمینه خدا‌اتکایی در بینش امام بر مردم‌اتکایی مقدم است و در واقع این، بینش هر موحد است و می‌توان گفت امام مردم‌اتکایی را در طول خدا‌اتکایی داشتند؛ لذا می‌فرمودند: «ما اطاعت از خدا می‌کنیم هر کس هم هر چه می‌خواهد بگوید اگر برای خدا شد، از حرف‌های مردم هیچ ناراحت نمی‌شویم.»^۶

فصل سوم: دشمن ستیزی

هر تصمیمی برای این‌که به منصه ظهور برسد و اجرا گردد باید در سطحی هموار اجرا شود و وجود موانع، تصمیم را از محدوده تصور و ذهنیت خارج نکند. بر این اساس، قبل از هر چیز مانع‌شناسی و مانع‌زدایی یا مخالف‌شناسی و مخالف‌زدایی امری مهم جلوه می‌کند. در واقع تصمیم‌گیری بدون در نظر گرفتن کنش و واکنش دشمنان راه به جایی نمی‌برد. امام (ره) به عامل خصم در تصمیم‌گیری عنایت ویژه‌ای داشته‌اند و بسیار بر این موضوع تأکید می‌کردند که نخست دشمن را بشناسیم آن‌گاه از سر راه برداریم تا به مقصود نائل شویم.

ایشان می‌فرمایند: «الآن وضعیت کشور ما، وضعیت اسلام در کشور ما همان وضعیت

۱. همان، ج ۱۸، ص ۱۱۷. ۲. همان، ج ۱۵، ص ۲۵۷. ۳. همان، ص ۱۸۲.
 ۴. همان، ج ۱۸، ص ۲۵۱. ۵. همان، ج ۷، ص ۶. ۶. همان، ج ۱۹، ص ۱۳۱.

صدر اسلام است، یعنی همان طوری که ابوسفیان و دار و دسته ابوسفیان و کسانی که با او متحد بودند و با او هم پیوند بودند بر ضد اسلام قیام کردند که نگذارند اسلام تحقق پیدا کند، حالا هم همان قضایا هست... می خواهند نگذارند اسلام تحقق پیدا کند. همان طور که در صدر اسلام دار و دسته ابوسفیان نمی گذاشتند.^۱

در جای دیگری می فرماید: «می خواهند نگذارند مملکت آرامش پیدا کند... می خواهند نگذارند کشاورزی ما رشد کند، می خواهند نگذارند فرهنگ ما رشد کند... می خواهند نگذارند اقتصاد ما سالم بشود، می خواهند نگذارند ارتش ما مستقل بشود.»^۲

در بحث دشمن ستیزی دو مطلب حائز اهمیت است: یکی شناخت دشمن، دیگری این که راه های دشمنی و توطئه افکنی دشمن چیست و این هر دو مطلب در بیانات امام به روشنی یافت می شود.

امام در مورد دشمن شناسی می فرماید: «برنامه ملت، برنامه طویل المده این است که دشمن را شناختند و از میدان رد کردید. حال هم دشمن را بشناسید و از میدان دورش کنید، دشمن ما فقط محمدرضا نبود، هر کس مسیرش مسیر اسلام نباشد دشمن ماست.»^۳ در بیانی کلی امام همه مخالفان مسیر دین و اسلام و قرآن را دشمن معرفی می کنند و به ملت هشدار می دهند که: «همه آن اشخاص که برخلاف مسیر شما هستند، برخلاف مسیر ملت هستند، برخلاف قرآن و اسلام هستند، برخلاف مسیر پیغمبر (ص) و ائمه اطهار (ع) هستند، این ها دارند با هم مجتمع می شوند و توطئه می کنند.»^۴

در عین حال که امام به شناخت دشمن تأکید دارند، به حماقت و تصمیمات غیر عقلایی دشمن نیز توجه می کنند و می فرمایند: «این دست و پاها که می زنند این ها، کارهای غیر عقلایی که می کنند می بینند که به نفع ما تمام می شود، ترور می کنند به خیال این که ما را بترسانند، ملت ما را بترسانند، می بینند که شجاعشان افزون می گردد، فریادشان بیشتر و اجتماعاتشان بیشتر، این ها خداوند عقلشان را گرفته است که کارهایی که می کنند به ضرر خودشان تمام می شود.»^۵

موضوع دیگری که در بیانات امام در خصوص شناخت دشمن مهم جلوه می کند و بر آن تأکید فراوان می کردند، حد و مرز دشمنی دشمنان است: «نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است که

۳. همان، ص ۲۵۷.

۲. همان، ج ۶، ص ۴۸.

۱. همان، ج ۱۱، ص ۶۹.

۵. همان، ج ۱۱، ص ۵۹.

۴. همان، ج ۷، ص ۴۸.

دشمنان ما و جهان‌خواران تاکی و کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی - الهی مان نمی‌شناسند، به گفته قرآن کریم هرگز دست از مقابله و ستیز با شما بر نمی‌دارند مگر این که شما را از دین‌تان برگردانند، ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیست‌ها و امریکا و شوروی در تعقیبمان خواهند بود تا هدایت دینی و شرافت مکتبی مان را لکه‌دار نمایند.^۱

و در جایی دیگر می‌فرماید: «من باز می‌گویم، همه مسئولان نظام و مردم ایران باید بدانند که غرب و شرق تا شما را از هویت اسلامیتان - به خیال خام خودشان - بیرون نبرند آرام نخواهند نشست، نه از ارتباط با متجاوزان خشنود شوید و نه از قطع ارتباط با آنان رنجور.»^۲

مطلب دومی که در بحث دشمن‌شناسی مورد توجه حضرت امام بوده، شناخت راه‌های اعمال دشمنی آنان است. ابتدا امام درباره لزوم هوشیاری در برابر توطئه‌های دشمنان توجه می‌دهند و تلاش برای خنثی سازی آن را در مد نظر دارند: «بسیار لازم است که با تمام هوشیاری، تمام توجه به دسیسه‌های آن‌ها بکنید.»^۳ و در جای دیگری می‌فرماید: «حضرات آقایان توجه دارند اصول اسلام در معرض خطر است. قرآن و مذهب در مخاطره است. با این احتمال تقیه حرام است و اظهار حقایق واجب و لو بلغ ما بلغ.»^۴ و در جای دیگر می‌فرماید: «نباید غافل باشیم ما باید بیدار باشیم و توطئه‌های آن‌ها را قبل از این که با هم مجتمع بشوند خنثی کنیم.»^۵

بعد از توجه دادن به لزوم هوشیاری در برابر توطئه‌های دشمن و خنثی سازی آن‌ها به شیوه‌های دشمنی می‌پردازند و عمدتاً چهار شیوه را گوشزد می‌کنند. امام گاه از تخویف و ترساندن سخن می‌گویند و گاه از تطمیع و سیر کردن و گاه از اغفال و در بعضی موارد سخن از اختلاف‌افکنی دشمنان به میان می‌آورند.

می‌فرمایند: «تمام گفتارتان، نطق‌هایتان در مجالس، همه این‌ها برای شکستن احکام اسلام است، سوء نیت هم اگر ندارید شما را واداشتند به این معنی، اما تهدیداً او تطمیعاً یا اغفالاً آن شاء الله اغفال باشد، خیانت نباشد.»^۶ و در جای دیگر می‌فرماید: «او [رضاخان] با مرحوم مدرس روزگاری را گذراند و تماس خصوصی داشت و فهمید که با

۱. همان، ج ۲۰، ص ۲۳۷. ۲. پیام به روحانیت، ۳/۱۲/۶۷.

۳. همان، ج ۱، ص ۴۰.

۴. صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۴۲.

۵. همان، ج ۱، ص ۹۰.

۶. همان، ج ۷، ص ۴۸.

هیچ چیز نمی‌تواند او را قانع کرد، نه با تطمیع و نه با تهدید و نه با قوه منطقیه.^۱ نیز در جای دیگری می‌فرماید: «از جمله چیزهایی که دولت‌های بزرگ، ابرقدرت‌ها و به تبع آن‌ها دولت‌های کوچک عمل می‌کنند و از چیزهایی که آن‌ها برای پیشرفت مقاصد خودشان اجرا می‌کنند این است که ایجاد خوف کنند در ملت، دولت‌های کوچک در بین ملت خودشان ایجاد خوف بکنند... این معنا را ما از اول به نظرمان آمد که باید این خوف را شکست این یک رعبی است، ارعابی است که واقعیت ندارد زیاد، آن قدر که واقعیتش است، صد چندان تبلیغات است.»^۲

و در زمینه اختلاف‌افکنی دشمن می‌فرماید: «بعد از این که از این راه‌های مختلف دنیا مأیوس شدند و طرفی نبستند باز به آن مسئله‌ای که در همه دنیا مطرح است که اختلاف ایجاد کنید تا بتوانید سلطه پیدا کنید و حکومت کنید.»

فصل چهارم: تهذیب و تصمیم‌گیری

چنان که در بخش نخست تحت عنوان «معیارهای تصمیم‌گیری» مطرح شد، یکی از معیارهای تصمیم‌گیری، خود تصمیم‌گیرندگان هستند که بر اساس توانایی‌های فکری و عقلی و ارزش‌ها و روحیات موجود در آن‌ها تصمیماتشان متفاوت خواهد بود. این نکته از نظر امام مخفی نماند و به طور گسترده در سخنان ایشان تحت عنوان تهذیب و اصلاح نفس و خودسازی مطرح شد که جایگاه آن را در اراده و تصمیم انسان روشن می‌سازد. امام می‌فرماید: «ملتی که بخواهد سر پای خود بایستد و اراده خود را خودش بکند. لازم است که اول بیدار بشود، در سیر الی الله هم اهل معرفت گفته‌اند که یقظه، بیداری، منزل اول است.»^۳ در جای دیگر نیز فرموده‌اند: «از اول مسلمین و اسلام گرفتار هواهای نفسانی‌ای بودند و این گرفتاری‌ها که ما الآن داریم سرچشمه‌اش همان هواهای نفسانی بود که بعد از رسول اکرم (ص) به واسطه آن هواها نگذاشتند که حکومت حق، تشکیل شود، اگر گذاشته بودند که آن تشکیلات پیش بیاید، حکومت، حکومت اسلامی باشد، حاکم، حاکم منتخب، منصوب من قبل الله تعالی باشد، آن وقت مردم می‌فهمیدند که اسلام چیست و معنی حکومت اسلامی چیست.»^۴

نیز در جای دیگر می‌فرماید: «از مشکلات مسلمانان، قضیه دولت‌هاست. دولت‌هایی که گمارده شده‌اند بر سر ملت‌ها و به نفع دولت‌های بزرگ فعالیت می‌کنند.

۲. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۴۰ و ۱۴۱.

۱. کشف الاسرار، ص ۱۲.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۶۵.

۳. همان، ج ۱۴، ص ۱.

مشکل اسلام، دولت‌های اسلامی است نه ملت‌ها.^۱ ایشان در جای دیگر محصول خودخواهی را جنگ و ستیز می‌دانند و می‌فرمایند: «تمام جنگ‌های عالم از این انانیت انسان پیدا می‌شود. مؤمن‌ها با هم جنگ ندارند، اگر جنگی باشد بین دو نفر بدانند مؤمن نیستند... جنگ‌های عالم همه‌اش جنگ‌های انانیت است.»^۲

امام تصمیمات بزرگ را محصول تصمیم‌گیرندگان بزرگ و انسان‌های قانع و بزرگ‌منش می‌داند و می‌فرماید: «مردان بزرگ که خدمت‌های بزرگ برای ملت‌های خود کرده‌اند، اکثریت ساده‌زیست و بی‌علاقه به زخارف دنیا بوده‌اند، آن‌ها که اسیر هواهای پست نفسانی و حیوانی بوده و هستند، برای حفظ و یا رسیدن به آن تن به هر ذلت و خواری می‌دهند و در مقابل زور و قدرت‌های شیطانی، خاضع و نسبت به توده‌های ضعیف، ستمکار و زورگو هستند.»^۳

و در توصیه‌ای پدرا نه می‌فرمایند: «اگر بخواهید بی‌خوف و هراس در مقابل باطل بایستید و از حق دفاع کنید و ابرقدرت‌ها و سلاح‌های پیشرفته آنان و شیاطین و توطئه‌های آنان، در روح اثر نگذارد و شما را از میدان، به در نکند، خود را به ساده زیستن عادت دهید و از تعلق قلب و مال و منال و جاه و مقام بپرهیزید.»^۴

امام تصمیم‌گیرندگان را تحت‌طلب را از تصمیم‌گیرندگان زحمت‌کش و اهل درد جدا می‌کنند و می‌فرمایند: «از صدر اسلام تاکنون دو طریقه، دو خط بوده است: یک خط، خط اشخاص راحت‌طلب که تمام هم‌تشان به این است که یک طعمه‌ای پیدا بکنند و بخورند و بخوابند و عبادت خدا هم آن‌هایی که مسلمان بودند می‌کردند. اما مقدم بر هر چیز در نظر آن‌ها راحت‌طلبی بود. در صدر اسلام از این اشخاص بودند وقتی که حضرت سیدالشهداء(ع) می‌خواستند مسافرت کنند به این سفر عظیم، بعضی از این‌ها نصیحت می‌کردند که برای چه شما این جا هستید، مأمنید و حاصل، بنشینید و بخورید و بخوابید.»^۵ «یک دسته هم انبیاء بوده‌اند و اولیاء بزرگ، آن‌ها هم مکتبی و یک خطی بود، تمام عمرشان را صرف کردند در این که با ظلم‌ها و با چیزهایی که در ممالک دنیا واقع می‌شود، همشان را صرف می‌کردند در مقابله با این‌ها.»^۶

از آنچه گذشت روشن می‌شود که قدرت تصمیم‌گیری گاه به دست انسان خودساخته است - که محصول آن سازندگی و صلح و صمیمیت و روابط حسنه و رشد جوامع انسانی

۱. همان، ج ۱۴، ص ۹۳. ۲. تفسیر سوره حمد، جلسه دوم.

۳. همان، ج ۱۵، ص ۴۴.

۴. همان، ص ۱۱. ۵. همان، ج ۱۹، ص ۱۱.

۶. همان.

است - و گاه به دست انسان غیر مهذب و فاسد است که محصول فساد و تباهی و جنگ و خونریزی و به خطر افتادن امنیت و سلامت جوامع است.

فصل پنجم: دیدگاه‌های فقهی، سیاسی و حکومتی امام خمینی (ره)

از مهم‌ترین محورهای تصمیم‌گیری امام، دیدگاه‌های فقهی و سیاسی آن حضرت به ویژه در زمینه حکومت دینی و حاکمیت مطلقه ولایت فقیه و نظریه عدم تفکیک دین از سیاست است. امام از ابتدای نهضت با دید تشکیل حکومت اسلامی قدم در میدان مبارزه گذاشت و با این اعتقاد که دین و احکام دین پاسخگوی همه نیازهای جامعه بشری امروز است محکم و استوار ایستاد و با انقلاب عظیم خود ثابت کرد که دین - به خصوص دین اسلام - دارای قدرتی عظیم و ناشناخته است.

البته این مطلب از خاطر فراموش نشود که وقتی از حاکمیت دینی یا رابطه دین با سیاست سخن به میان می‌آید، منظور بعد احکام دین، آن هم احکام اجتماعی آن است نه احکام فردی یا معارف و اخلاق؛ چرا که آن‌ها در حوزه فردی است و اجبار و اکراه در آن‌ها راه ندارد.

باب اول: سیاست و حکومت از دیدگاه امام خمینی

سیاست در یک تقسیم‌بندی مفهومی به دو دسته تقسیم می‌شود: ۱. سیاست به معنای عام، ۲. سیاست به معنای خاص. سیاست به معنای عام، سیاستی است که ناظر به مجموع امور جامعه است و سیاست به معنای خاص، کیفیت اجرای قدرت سیاسی و نحوه تعیین یا انتخاب فرمانروایان جامعه است.

در بینش سیاسی امام این مطلب روشن است که مرادشان از اسلامی کردن سیاست، تنها در محدوده سیاست به معنای خاص خودش نبود. لذا امام در بیانات خودشان به این نکته توجه کرده‌اند که در نظر ما سیاست به معنای هدایت در تمام شئون جامعه است: «سیاست به معنای این که جامعه را راه برد و هدایت کند و به آن جانی که صلاح جامعه است و صلاح افراد است، این در روایات ما، برای نبی اکرم (ص) با لفظ سیاست ثابت شده است و در دعا و زیارت جامعه ظاهراً هست که وساسة العباد هم هست، در آن جا پیغمبر اکرم (ص) مبعوث شد که سیاست امت را متکفل شود. باید عرض کنم که سیاست برای روحانیون و برای انبیاء و اولیاء خدا حقی است، لکن سیاستی که آن‌ها

دارند دامنه‌اش با سیاستی که این‌ها دارند فرق دارد.^۱

در عین حال امام به سیاست به معنای خاص نیز توجه داشته است؛ سیاستی که به معنای تشکیل حکومت اسلامی است و حتی در وصیت نامه سیاسی - الهی خود این مطلب را متذکر شده‌اند که: «پیغمبر اسلام(ص) تشکیل حکومت داد، مثل سایر حکومت‌های جهان، لکن با انگیزه بسط عدالت اجتماعی.»^۲

و در جای دیگر می‌فرماید: «البته سیاست، آن معنایی که این‌ها می‌گویند که دروغ‌گویی، با دروغ‌گویی، چپاول مردم و یا حيله و تزوير و ساير چيزها، تسلط بر اموال و نفوس مردم، اين سياست هيچ ربطی به سياست اسلامي ندارد، اين سياست شيطاني است.»^۳

از جمله مسائلی که ذهن حضرت امام را بسیار به خود مشغول می‌داشت و آن را اساس خیلی از مسائل قلمداد می‌کرد، تفکر جدایی دین از سیاست بود که به سختی با آن مبارزه می‌کردند. امام منشأ این تفکر را از صدر اسلام می‌داند و می‌فرماید: «طرح مسئله جدا بودن سیاست از روحانیت، چیز تازه‌ای نیست و این مسئله در زمان بنی امیه مطرح شد و در زمان بنی عباس قوت گرفت. در این زمان‌های اخیر هم که دست بیگانگان در ممالک باز شد آن‌ها هم به این مسئله دامن زدند.»^۴

و در جای دیگر متذکر می‌شوند که بازی خوردگان این تفکر هم واقعاً باورشان شده: «به طوری که مع الاسف بعضی از اشخاص متدین و روحانیون متعهد هم باورشان آمده است که مثلاً یک ملایی در مسائل سیاسی وارد بشود به او ضرر می‌خورد.»^۵ در واقع امام عدم تفکیک دین از سیاست را از اصول ثابت اسلام دانسته و در وصیت نامه خود فرموده است: «سیاست و راه بردن جامعه به موازین عقل و عدل و انصاف و صدها از این قبیل، چیزهایی نیست که با مرور زمان، در طول تاریخ بشر و زندگی اجتماعی کهنه شود.»^۶

امام با این بینش که در تفکر دین اسلام صرف آخرت طلبی بی‌توجه به دنیا و مسائل آن مطرح نیست، بلکه توجه به شئون دنیا و آخرت توأماً و سوق دادن حرکت‌های دنیایی به کمالات و سعادت اخروی مطرح است، سیاست را نیز از این مقوله دانسته است: «یکی از ابعاد انسان بعدی است که در این دنیای مادی می‌خواهد معاشرت کند. در این

۱. همان، ج ۱۳، ص ۲۱۷.

۲. وصیت نامه سیاسی - الهی امام خمینی، بند (ب)، ص ۱۰.

۳. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۱۷.

۴. همان، ج ۱۶، ص ۲۳۸.

۵. همان، ص ۲۴۸.

۶. وصیت نامه سیاسی - الهی امام خمینی، بند (ب)، ص ۹.

دنیای مادی می خواهد تأسیس دولت بکند. در این دنیای مادی می خواهد تأسیس مثلاً سایر چیزهایی که مربوط به مادیتش است بکند. اسلام این را هم دارد.^۱

امام در استناد به متون اسلامی برای اثبات بینش خود در زمینه تفکر جدا نبودن دین از سیاست می فرماید: «مسائل سیاسی اسلام چندین برابر مسائل عبادی اش است، برای این که مسائل سیاسی هم عبادت است مع الاضافه: کتب فقهی اسلام مشحون از مسائل سیاسی است، مشحون از مسائل اجتماعی است.»^۲ و باز هم در استناد به این بینش سیاسی خود به تاریخ متوسل می شوند: «اگر تابع ائمه هدی هستیم، بینیم که این ها در ایام حیاتشان چه کردند، نشستند و مسئله گفتند؟ اگر چنانچه مسئله گو بودند که چکار داشتند به آن ها، این ظالمین و این مستکبران که آن ها را بکشند، حبس کنند، تبعید کنند و ببرند... امیرالمؤمنین هم که حکومت داشت.»^۳

باب دوم: نظریه تکلیف در دیدگاه سیاسی امام (ره)

با توجه به این که انسان مکلف در دایره تکلیف به تصمیم گیری و رفتار می پردازد و خارج شدن از آن را برای خود در هیچ زمینه ای مجاز نمی شمرد، سیاست و رفتار سیاسی و تصمیم سیاسی نیز در حیطه تکلیف واقع می شود. امام ایجاد حکومت دینی را یک تکلیف می دانست و معتقد بود که حکومت دینی، حکومت فقه است و می فرمود: «حکومت در نظر مجتهد واقعی، فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است، حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است.»^۴

حکومت دین یعنی حکومت تکلیف و چه بسا در زمان های مختلف موضوع حکم تغییر کند؛ لذا موضوع شناسی از جمله مباحث اصلی حکومت دینی است. امام در این باره می فرماید: «زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند، مسئله ای که در قدیم دارای حکمی بوده است، به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند؛ بدان معنی که شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، همان موضوع اول از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است و واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می طلبد.»^۵

امام مهم ترین پدیده روابط بین الملل و جنجال برانگیزترین آن را - که همان جنگ

۱. صحیفه نور، ج ۵، ص ۲۰۴. ۲. همان، ج ۱۸، ص ۶۶. ۳. همان، ج ۲۰، ص ۱۵۹. ۴. پیام به روحانیت، ۶۷/۱۲/۳، نقل از انوار تابان ولایت، ص ۱۴۵. ۵. همان.

است - در پرتو وظیفه و تکلیف تفسیر می‌کند: «ملت ما تا آن روز که احساس کرد توان و تکلیف جنگ دارد به وظیفه خود عمل نمود... آن ساعتی که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد باز به وظیفه خود عمل کرده است، آیا از این که به وظیفه خود عمل کرده است نگران باشد.»^۱

حتی امام معیار شکست و پیروزی را در انجام ندادن یا انجام دادن وظیفه و تکلیف معین کرده، می‌فرماید: «اگر ما به تکالیفی که خدای تبارک و تعالی برای ما تعیین فرموده است عمل نکنیم، باکی از این نداریم که شکست بخوریم، چه از شرق چه از غرب چه از داخل و چه از خارج و اگر به تکالیف خودمان عمل نکنیم شکست خورده هستیم، خودمان، خودمان را شکست دادیم.»^۲

امام در شناخت موضوعات معتقد بودند که باید به افراد متخصص و خبره و در عین حال متعهد رجوع کرد و موضوعات را شناسایی نمود تا در تطبیق حکم و شناخت وظیفه دقیق‌تر عمل شود: «از کارشناسان متعهد و متدین در تشخیص موضوعات برای احکام ثانویه اسلام نظرخواهی شود.»^۳

باب سوم: عنصر اطلاعات در مبانی تصمیم‌گیری امام خمینی

در بخش اول وقتی به بررسی عناصر تصمیم می‌پردازیم گفتیم یکی از عناصر تصمیم‌گیری دسترسی به منابع اطلاعاتی و بهره‌گیری از امکانات است و اتخاذ تصمیمات عقلایی و منطقی مستلزم برخورداری از اطلاعات دقیق است. آنچه در زندگی امام مشهود است راه‌یابی ایشان به اطلاعات و تصمیم بر اساس اطلاعات بود. لذا می‌توان گفت امام در درجه اول در تصمیم‌گیری‌های خودشان از الگوی عقلایی استفاده می‌کردند.

ایشان در بیانی کلی جامعه را در مسیر شناخت و انجام وظیفه سازمان اطلاعات معرفی می‌کنند: «امروز باید همه شما سازمان اطلاعات باشید، از اجزاء سازمان اطلاعات باشید، همه ما مکلفیم اگر چنانچه از این خرابکارها کسی یافتیم و باید هم که دنبال این باشیم که بیایم این‌ها را معرفی کنیم تا قوای انتظامی بگیرند و تحویل دادگاه بدهند.»^۴

جالب توجه است که حضرت امام در زمینه کسب اطلاعات فرموده است: «وقتی

۱. همان مدرک. ۲. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۷۸. ۳. همان، ج ۱۷، ص ۲۰۲.

۴. همان، ج ۱۵، ص ۶۶.

اسلام در خطر است، همه شما موظفید با جاسوسی اسلام را حفظ کنید.^۱ امام نه تنها به جمع آوری اطلاعات در مسائل سیاسی - اجتماعی معتقد بود بلکه به تحلیل آن‌ها نیز بسیار اهمیت می‌داد: «همان دقت‌هایی که اهل علم در مسائل علمی دارند، مسائل علمی همان طوری آن دقت‌های بسیار ارزنده را لازم دارد، مسائل سیاسی کم‌تر از آن نیست، برای مسائل سیاسی، مقدرات کشور در دست آن‌هایی هست که این مسائل را می‌خواهند تفکر کنند... در این مسائل هم باید این طور باشد که سر و ته مطلب را به قدر کافی مورد بررسی قرار بدهند، مورد دقت قرار بگیرد و با دقت و همت زیاد مسائل طرح بشوند.»^۲

از جمله مسائل مهمی که در عنصر اطلاعات در زمینه تصمیم‌گیری امام بسیار دخیل بوده مسئله مشاوره است. از نظر اسلام، مسلمانان باید مشورت را در امور سیاسی و اجتماعی خود مورد توجه قرار دهند و در این زمینه آیات و روایات فراوانی وجود دارد. در قرآن می‌خوانیم: «والذین استجابوا لربهم و اقاموا الصلوة و امرهم شوری بینهم و مما رزقناهم ینفقون؛ یعنی آنان که دعوت پروردگار خویش را پاسخ داده‌اند و نماز را برپا داشته و کارشان با مشورت میان خودشان باشد و از آنچه ایشان را روزی کرده‌ایم انفاق می‌کنند.»^۳

و در جای دیگر آمده است: «الذین یستمعون القول فیتبعون اُحسَنه، اولئک الذین هدینهم الله و اولئک هم اولوالالباب؛ یعنی آنان که سخن را می‌شنوند و بهترین آن را پیروی می‌کنند، اینانند کسانی که خداوند راهشان نموده و ایشانند خردمندان.»^۴ و از جمله آیات بسیار مهم در امر شوری و مشورت این آیه است: «فبما رحمة من الله لنت لهم و لو کنت فظاً غلیظ القلب لانفضوا من حولک فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم فی الامر فاذا عزمت فتوکل علی الله ان الله یحب المتوکلین؛ یعنی ای پیامبر، به مهر و بخشایش از خداست که برای ایشان نرم شدی و اگر در سختجوی سخت دل بودی از گرد تو پراکنده می‌شدند، پس از آنان درگذر و برای ایشان آمرزش بخواه و با آنان در کار جنگ مشورت کن، و چون برکاری دل نهادی بر خدای توکل کن که خدا توکل‌کنندگان را دوست دارد.»^۵ آیات دیگری هم در زمینه اهمیت مشورت در امور اجتماعی، سیاسی اسلام وجود دارد که برای رعایت اختصار متذکر نمی‌شویم. و اما از جمله روایاتی که در کتب روایی متعدد آمده چند نمونه را ذکر می‌کنیم.

۳. شوری، آیه ۳۸.

۲. همان، ج ۱۷، ص ۲۷۳.

۱. همان، ص ۱۰۰.

۵. آل عمران، آیه ۱۵۹.

۴. زمر، آیه ۱۸.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «هیچ پشتیبانی قوی‌تر از مشورت و هیچ عقلی بهتر از تفکر و تدبیر نیست.»^۱ امیرمؤمنان، علی (ع) می‌فرماید: «هر که با مردان شور نماید با خرده‌اشان شرکت می‌کند.»^۲

اصولاً هر گونه مشورت و رایزنی به نحوی در تصمیم‌گیری مؤثر واقع می‌شود و نمی‌توان ادعا کرد تصمیم فرد بدون مشورت و پس از مشورت کاملاً یکسان است. از آن جایی که مشورت میزان اطلاعات را تغییر می‌دهد به سادگی می‌توان دریافت که در تصمیم‌گیری، آثار جهت دهنده‌ای خواهد داشت.

از دو مسئله در امر مشورت نباید غفلت کرد: یکی این که در اسلام مطالبی می‌توانند محور مشورت قرار گیرند و درباره آن‌ها اخذ تصمیم شود که خلاف دستورهای الهی نباشند و وجوب یا حرمت آن‌ها ثابت نشده باشد. دیگر این که از نظر اسلام خصوصیات کسانی که مورد مشورت قرار می‌گیرند هم مهم است که از جمله مهم‌ترین خصوصیات عبارت‌اند از: ۱. عقل، ۲. ایمان و تقوی، ۳. تجربه، ۴. ناصح و خیرخواه بودن، ۵. شجاع بودن، ۶. حریص نبودن، ۷. خلوص داشتن.

در زمینه مشورت، در قوانین ایران فصل هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مسئله شوری پرداخته است. در تصمیم‌گیری مشورتی تصمیم‌گیرنده برای شناخت مشکل اصلی، یافتن راه حل‌ها و ارزیابی آن‌ها با موضوعات متعدد و متنوعی مواجه می‌گردد که دید او را درباره موضوع تصمیم‌گیری وسیع‌تر می‌کند و از نگرش تک بُعدی دورش می‌دارد.

نظرخواهی از دیگران نشان دهنده ارزشی است که تصمیم‌گیرنده برای آنان و دیدگاهشان قائل است و موجبات علاقه بیشتر و روحیه قوی‌تر آن‌ها را فراهم می‌سازد. نظرخواهی از جمع باعث رشد و ارتقای افراد می‌شود و قدرت خلاقیت و ابتکار آنان را فزونی می‌بخشد و آن‌ها را به اجرای تصمیم‌ها علاقه‌مندتر می‌کند.

امام در مسائل سیاسی و اجتماعی نه تنها به اصل شوری معتقد بوده، بلکه در عمل پایبند بود که جلسات تشکیل شود و افراد و سران نظرهای خود را اعلام کنند تا به جمع بندی برسند؛ گرچه بعضی از مواقع مجبور می‌شدند «فصل خطاب» باشد و کلام آخر از زبان مبارک ایشان بیرون می‌آمد. در دیدگاه ایشان، نمایندگان مجلس خبرگان و نمایندگان

۱. بحارالانوار، ج ۱۵، بخش ۴.

۲. نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۱۱۶۵.

مجلس شورای اسلامی و سران نظامی و کشوری همه از مشاوران رهبرند و او را در تصمیم‌گیری یاری می‌رسانند.

بنا بر آنچه گذشت، امام با توجه به رابطه عمیق با خالق هستی و نیز اتکا به عظمت ربوبی و در درجه پایین‌تر اتکا به مردم همیشه در صحنه ایران و مسلمانان جهان و با این فکر که اسلام دین حاکم است و حاکمیت دینی از آن اسلام است و با اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه و با کمک و همراهی دوستان و مشاوران صدیق، تصمیمات صائب و قاطعی گرفتند که در تاریخ بی سابقه است.

روحش شاد و راهش پر رهرو باد ان شاء الله.

فهرست منابع

۱. جیمز دوئرتی، رابرت فالتزگراف، نظریه‌های متعارض، در روابط بین الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، ج ۲.
۲. سید علی قوام، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل.
۳. سید مهدی الوانی، تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی‌گذاری.
۴. ابراهیم برزگر، مبانی تصمیم‌گیری سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره).
۵. صحیفه نور: مجموعه پیام‌های امام خمینی (ره).
۶. کوثر: مجموعه سخنرانی‌های امام خمینی (ره).